



دانشگاه پیام نور

مرکز مشهد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

ولایت در ازدواج و مسئله اذن ولی در نکاح

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسین صابری

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر زهرا گواهی

نگارش:

صنم موسی پور حصار

زمستان ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ:

پدر و مادر عزیزم کہ ہر

چہ دارم از آنہا ست

تقدیر و تشکر :

بی شک به سرانجام رساندن کار پایان نامه از شروع تا پایان، تکیه بر اراده و توانایی یک نفر ندارد و در این راه عزیزان زیادی متحمل زحمات فراوانی گردیدند تا کار به انجام برسد و تجربه انبوهی برای اینجانب باشد. و این پایان نامه مرهون زحمات بی دریغ عزیزانی است که تقدیر و تشکر از آنان بر من واجب است.

بر خود لازم می دانم از زحمات استاد راهنمایم جناب آقای دکتر حسین صابری که در تمام مراحل پایان نامه با صبر و حوصله فراوان زحمات کم نظیری را متقبل شدند و از هیچ گونه راهنمایی نسبت به اینجانب برای اتمام این پایان نامه دریغ نوزیدند و همیشه با روی خوش پذیرای بنده بودند ، قدردانی نمایم. همچنین از زحمات بی شائبه استاد ارجمند مشاورم سرکار خانم دکتر زهرا گواهی که در تکمیل و اتمام پایان نامه ام مرا یاری نموده و از هر گونه تلاشی فروگذار نبودند تشکر و سپاسگذاری می نمایم.

همچنین از خانواده ام که زحمات فراوانی در این راه برایم متحمل شدند و بسیار مشوق اینجانب در برابر مشکلات و کمبودها بودند کمال قدردانی و سپاس را می نمایم. بی شک بدون اراده و یاری همه این عزیزان ، قادر به طی این مسیر و ناملایمات نبودم.

نام خانوادگی: موسی پور حصار	نام: صنم
عنوان پایان نامه: ولایت در ازدواج و مسئله اذن ولی در نکاح	
استاد راهنما: دکتر حسین صابری	استاد مشاور: دکتر زهرا گواهی
نماینده گروه آموزشی: دکتر بهروزیه	استاد داور: دکتر داوریار

درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات	گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشگاه: پیام نور	مرکز: مشهد	تاریخ دفاع:

تعداد صفحه: ۱۷۷

کلید واژها: ولایت ، نکاح ، اذن ، ولی ، رشیده .

چکیده:

عنوان رساله ولایت در ازدواج و مسئله اذن ولی در نکاح می باشد که شامل چهار فصل است : فصل اول در مفهوم ولایت ، معانی لغوی ، اصطلاحی ، استعمالات قرآنی ، مراتب ولایت و موادهای قانونی مربوطه و رابطه عقد فضولی با ولایت است . و فصل دوم که خود بر دو بخش است : اول اینکه ولایت از آن پدر ، جد پدری ، وصی و حاکم و مولی است . دوم اینکه متعلق ولایت ، صغار ، مجنون ، سفیه و دختر بالغه رشیده باکره است که در مورد ولایت بر صغار ، مجنون و سفیه اختلافی نیست اما در ولایت بر دختر بالغه رشیده باکره اقوال مختلفی وجود دارد که قول به اشتراک، قول برگزیده است و نیز در مورد ولایت وصی نیز با ذکر اقوال و ادله مختلف بحث شده است و ولایت برادر که اهل سنت به آن معتقدند با اقوال و ادله ذکر شده است و عدم ولایت بر دختر بالغه رشیده ثیب که مورد اتفاق فقها است .

فصل سوم در مورد حدود و شروط ولایت است که شروط هفت گانه، ذکوریت ، بلوغ ، کمال رشد و عقل ، اسلام، حریت ، عدم حجر و عدالت را برای ولی لازم می دانند و حجر و رشد را شرط مولی علیه دانسته و همچنین از شرط مصلحت و عدم مفسده در تصرفات اولیاء نکاح بحث شده است و شرط حیات و موت پدر در ولایت جد با اقوال و ادله هر

کدام مورد بررسی قرار گرفته است و ارجحیت قول جد در تقارن اختیار پدر و جد از باب
تزام گفت و گو شده است .

و فصل چهارم درباره اجرای نکاح بدون اذن ولی از نظر بطلان و صحت عقد در قانون
مدنی، فقه و اهل سنت با ذکر اقوال و ادله آنها مورد بررسی قرار گرفته است که چنین عقده
باطل است و باید طلاق گرفته و از یکدیگر جدا شوند و در صورت طلاق، جایز است ولی
مهر را ببخشد همانطور که در اجرای نکاح ولایت دارد و ولی عافی، پدر است که می تواند
مهر مطلقه را عفو کند .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول : کلیات
۲	۱- فصل اول : واژگان شناسی ولایت
۲	۱-۱- معنای لغوی ولایت :
۳	۱-۱-۱- ولایت به فتحه و یا کسره واو است؟
۳	۱-۲- معنای اصطلاحی ولایت :
۶	۱-۳- ولایت بر دو قسم است :
۱۱	۱-۵- سن بلوغ در شرع مقدس و قانون:
۱۵	۱-۶- رابطه ولایت با عقد فضولی
۱۷	۱-۶-۱- روایات مربوط به عقد فضولی
۱۹	۱-۷- نتایج
۲۵	فصل دوم: ولایت از آن چه کسانی است
۲۶	۱-۲- ولایت از آن چه کسانی است ؟
۲۹	۱- مراتب اولیاء نزد شیعه و اهل سنت
۳۱	۲- تقسیم ولی در باب نکاح به مجبر و غیر مجبر
۳۲	۳- حکم تصرف ابعد با وجود اقرب
۳۳	۲-۲- متعلق ولایت کیست؟
۳۴	۲-۱-۱- ولایت پدر و جد پدری بر صغیر
۳۵	۱- نقل اقوال فقها
۳۹	۲- ادله
۳۹	أ) کتاب
۴۰	ب) روایات :
۴۳	ج) اصل استصحاب
۴۴	۳- نتایج
۴۶	۲-۱-۲- ولایت پدر و جد در ازدواج مجنون و سفیه
۴۸	۱- نقل اقوال فقها
۵۰	۲- ادله:
۵۰	أ) کتاب
۵۰	ب) روایات
۵۲	۳- نتایج
۵۳	۲-۱-۳- ولایت پدر و جد پدری در ازدواج بالغه رشیده :

- ۱- ادله قول به استقلال باکره رشیده ۵۵
- أ) کتاب ۵۵
- ب) روایات: ۵۵
- ۲- ادله قول به استقلال پدر و جد پدری ۵۷
- أ) روایات ۵۷
- ۳- ادله قول به اشتراک ۵۹
- أ) کتاب: ۵۹
- ب) روایات ۶۰
- ۵- تفصیل بین عقد دائم و متعه ۶۱
- ۱- نقل اقوال فقها ۶۳
- ۲- ادله سقوط اذن ولی در عقد متعه ۶۵
- ۳- تحلیل دلایل ۶۷
- ۲- ۱- ۴- عدم ولایت بردختر بالغه رشیده ثیب ۷۰
- ۱- نقل اقوال فقها ۷۰
- ۲- ادله عدم ولایت بر ثیب ۷۳
- أ) کتاب ۷۳
- ب) روایات: ۷۴
- ۳- نتیجه ۷۶
- ۲- ۱- ۵- ولایت برادر ۷۶
- ۱- نقل اقوال فقها ۷۶
- ۲- ادله قول به ولایت برادر ۷۸
- أ) روایات ۷۸
- ۳- نتیجه ۸۰
- ۲- ۱- ۶- ولایت وصی ۸۰
- ۱- نقل اقوال فقها ۸۰
- ۲- ادله قول به ثبوت ولایت وصی ۸۱
- أ) کتاب ۸۱
- ب) روایات: ۸۲
- ۳- ادله قول به نفی ولایت وصی مطلقا ۸۳
- د) روایات ۸۳
- ۴- ادله قول به وجود نص بر ولایت وصی ۸۴
- أ) روایات ۸۴
- ۵- تخصیص ولایت وصی برای بالغ فاسد العقل ۸۵

۸۵	نتیجه ۶-.....
۸۶	فصل سوم : حدود و شروط ولایت
۸۷	۳-فصل سوم : حدود و شروط ولایت
۸۷	۳-۱-شروط اهلیت ولی برای ولایت در نکاح
۸۷	۳-۱-۱-زکورت
۸۸	۳-۱-۲-بلوغ
۸۸	۳-۱-۳-کمال رشد و عقل
۹۱	۳-۱-۴-اسلام
۹۱	۱-دله
۹۱	أ) کتاب
۹۲	ب) روایات
۹۴	۲-فروع
۹۵	۳-۱-۵-حریت [آزاد بودن که در مقابل آن رقیت و بندگی است]
۹۶	۳-۱-۶-عدم حجر
۹۷	۳-۱-۷-عدالت:
۹۷	۱-عدالت از نظر امامیه
۹۸	۲-عدالت در اهل سنت
۹۹	۳-دله اشتراط عدالت در ولی
۱۰۰	أ)کتاب
۱۰۰	ب)روایات
۱۰۰	۴-دله عدم اعتبار عدالت در ولی
۱۰۱	أ)روایات
۱۰۲	۵-اشترط عدالت در ولی نزد عامه
۱۰۲	۵-۱-دلائل عدم اشترط
۱۰۲	أ) کتاب
۱۰۳	۶-نتیجه
۱۰۳	۳-۲-شروط مولی علیه
۱۰۳	۱-حجر
۱۰۴	۲-عدم بلوغ
۱۰۵	۳-عدم رشد
۱۰۶	۳-نقل اقوال فقهای مذاهب
۱۰۸	۳-۳-شرط عدم مفسده
۱۰۸	۱-نقل اقوال فقها

- ۲- دلایل شرط عدم مفسده ۱۰۸
- أ) قاعده لاضرر ۱۰۹
- ب) روایات : ۱۰۹
- ۳- نتیجه ۱۱۰
- ۳-۴- تزویج ولائی به شرط مصلحت ۱۱۰
- ۱- نقل اقوال فقها ۱۱۱
- ۲- نتیجه ۱۱۳
- ۳-۵- آیا در ولایت جد موت پدر شرط است؟ ۱۱۴
- ۱- ادله اقوال ۱۱۵
- ۱-۱- وجوه قول به اشتراط حیات پدر در ولایت جد ۱۱۵
- ۱-۲- وجوه قول به ولایت جد مطلقا ۱۱۶
- ۱-۳- وجه شرط ولایت جد به موت پدر ۱۱۷
- ۲- نتیجه ۱۱۷
- ۳-۶- تقارن اختیار پدر و جد از باب تراحم ۱۱۷
- ۱- نقل اقوال فقها ۱۱۷
- ۲- ادله ۱۲۰
- ۳- نتیجه ۱۲۱
- ۳-۷- تراحم اختیار پدر با پدر جد و بالاتر ۱۲۱
- ۳-۸- خیار یا عدم آن برای مولی علیه بعد از بلوغ ۱۲۲
- ۱- نقل اقوال فقها ۱۲۲
- ۲- ادله حکم عدم خیار ۱۲۳
- أ) اصاله اللزوم ۱۲۳
- ب) استصحاب ۱۲۴
- ج) روایات ۱۲۴
- ۳- ادله حکم به خیار ۱۲۵
- أ) روایات ۱۲۵
- ۳-۹- کفائت ۱۲۸
- ۳-۹-۱- واژگان شناسی کفائت ۱۲۹
- أ) معنای لغوی ۱۲۹
- ب) معنای اصطلاحی : ۱۲۹
- ۳-۹-۲- کفائت در باب نکاح ۱۳۰
- أ) کتاب ۱۳۱
- ب) روایات ۱۳۱

- الف) کفو شرعی : ۱۳۵
- ب) کفو عرفی ۱۳۵
- ۳-۹-۳- کفائت از دیدگاه اهل سنت : ۱۳۷
- ۳-۹-۴- ملاکهای معتبر در کفائت از دیدگاه مذاهب مختلف ۱۴۱
- ۳-۹-۵- تطبیق نظریات شیعه و سنی در مورد کفائت در نکاح ۱۴۴
- ۳-۹-۶- نتیجه ۱۴۹
- فصل چهارم: اجرای نکاح بدون اذن ولی چگونه است؟ ۱۵۰
- ۴- فصل چهارم : اجرای نکاح بدون اذن ولی چگونه است؟ ۱۵۱
- ۴-۱- اجرای نکاح بدون اذن ولی از منظر قانون مدنی ۱۵۱
- ۴-۲- اجرای نکاح بدون اذن ولی از منظر فقه ۱۵۱
- ۴-۲-۱- نقل اقوال فقها در بطلان نکاح بدون اذن ولی ۱۵۲
- ۴-۲-۲- نقل اقوال فقها در صحت نکاح بدون اذن ولی ۱۵۴
- ۴-۲-۳- ادله ۱۵۵
- أ) کتاب ۱۵۵
- ب) روایات ۱۵۶
- ۴-۳- اجرای نکاح بدون اذن ولی از نظر اهل سنت ۱۵۶
- ۱- ادله ۱۵۷
- ۴-۴- نتیجه ۱۵۷
- ۴-۵- عفو ولی از مهر مطلقه قبل دخول ۱۵۸
- ۴-۵-۱- آیا جایز است که ولی مطلقه قبل دخول مهر را عفو کند؟ ۱۵۸
- ۱- ادله بر عفو ولی ۱۵۸
- ۲- ادله بر عفو زوج ۱۵۹
- ۳- نقد ادله عفو زوج ۱۶۰
- ۴-۵-۲- ولی عافی از مهریه چه کسی است؟ ۱۶۰
- ۱- نقل اقوال فقها ۱۶۰
- ۲- ادله ۱۶۱
- ۴-۵-۳- آیا جایز است ولی عافی از تمام مهر باشد؟ ۱۶۲
- ۱- ادله جواز عفو ولی در جمیع مهر ۱۶۲
- أ) روایات ۱۶۲
- ۲- نتیجه ۱۶۳
- ۴-۶- ازدواج بدون تعیین صداق ۱۶۴
- ۱- ادله ۱۶۵
- أ) کتاب ۱۶۵

١٦٦	(ب) روايات
١٦٨	٢-نتيجه
١٧٠	منابع و مأخذ:

مقدمه :

قوانین حقوقی ایران نشأت گرفته از فقه نورانی اسلام، منبع وحی لایزال الهی و متصل به ذات اقدس باری تعالی و علم بی پایان اوست. فقه منبع گرانبهای حقوق است و همچون چشمه جوشانی با زلال جاری خود در تمام ادوار، قوانینی را که بشریت محتاج آن است، به صورت نو و تازه به آنان ارائه می دهد. پیوند محکم و استوار فقه و حقوق در تمام زمینه های مختلف اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می تواند راهگشای مشکلات و پاسخگوی سوالات انسان و مکاتب و اعتقادات گوناگون باشد و با مراجعه به احکام تشریح شده از سوی شارع و نظریات فقهای عظام و ادله محکم و خدشه ناپذیر آنان می توان معضلات حقوقی را رفع کرد. و از آنجا که خانواده کوچک ترین واحد اجتماع و هسته اصلی و پایه اساسی آن است، بررسی مسائل مربوط به خانواده از اهمیت به سزایی برخوردار بوده و دقت خاصی را می طلبد. ولایت، از جمله موضوعاتی است که از روابط خانوادگی ناشی می شود، ولی شخصی است که به حکم قانون تعیین می شود.

در همه کشورها شخص یا اشخاصی که به صغیر نزدیک تر هستند و به او دلبستگی دارند برای سرپرستی و اداره امور او اقدام می کنند؛ زیرا فطرت انسان اقتضا می کند که سرپرستی صغیر با ارقاب نزدیک او به خصوص پدر او باشد و قانون مدنی به پیروی از فقه امامیه سمت ولایت قهری را به جد پدری اختصاص داده و مادر را از آن محروم ساخته است و پدر و جد نسبت به دیگران، دلسوزتر و فداکارترند و همواره مصلحت طفل را در نظر گرفته و از قرار گرفتن طفل در عسر و حرج مانع می شوند و در نبود آن دو، وصی ولایت را بر عهده گرفته و با رعایت مصلحت، امور مولی علیه را اداره می کند.

تعریف مساله و بیان سوالهای اصلی تحقیق :

مساله مورد تحقیق ولایت در ازدواج و مسئله اذن ولی در نکاح است.

سوالات :

- ۱- مفهوم ولایت چیست؟
- ۲- ولایت از آن چه کسانی است؟ و متعلق ولایت کیست؟
- ۳- آیا این ولایت مطلق و بلا شرط است یا اینکه محدود به شرایطی است؟

- ۴- آیا در محدود شدن دامنه و گستره این ولایت ، مصلحت نقشی دارد یا خیر ؟
- ۵- در مورد این ولایت ، به کدام مبانی و ادله فقهی و حقوقی می توان استناد کرد ؟
- ۶- آیا آراء و نظرات مذاهب با آراء فقهای امامیه و قوانین و مقررات حقوقی مربوطه هم سواست ؟
- ۷- آیا دختر بالغه رشیده باکره در ازدواج خود استقلال دارد ؟
- ۸- اگر ازدواج بدون رعایت نظر ولی صورت گیرد تکلیف فقهی و حقوق آن چیست ؟

سابقه و ضرورت تحقیق :

در کتابهای فقهی نظیر المبسوط شیخ طوسی ، اللمعه الدمشقیه شهید اول ، مسالک الافهام شهید ثانی ، تذکره الفقهاء علامه حلی ، شرایع الاسلام طباطبایی یزدی ، جواهر الکلام نجفی و تحریر الوسیلة امام خمینی در مبحث ازدواج و در کتابهای حقوقی در مبحث حقوق خانواده مانند حقوق مدنی - خانواده از دکتر کارتوزیان ، حقوق مدنی سید حسن امامی ، حقوق خانواده علی وفادار و در برخی نگارشهای فقهی در این زمینه بحث شده است ، اما هنوز پرسشهایی برای واکاری وجود داشت که در این تحقیق با تطبیق دیدگاههای امامیه و اهل سنت بسیاری از شرایط و حدود اولیاء نکاح را با ادله مورد بحث و بررسی قرار داده است .

اهمیت تحقیق این است که ولایت پدر و جد پدری بر صغیره و صغیر و ولایت پدر و جد بر دختر باکره با ذکر اقوال و ادله هر یک مورد بحث قرار گرفته و حدود و شرایطی که برای ولایتشان وجود دارد با تطبیق آراء مذاهب مورد بررسی قرار گرفته است و نهایتاً این که اگر دختر بدون اذن ولی نکاح نماید عقدش باطل است .

فرضیه ها :

- ۱- ولایت از آن پدر ، جد پدری و هر چه بالاتر رود ، وصی ، حاکم و مولی است .
- ۲- متعلق ولایت صغار ، مجنون ، سفیه ، دختر بالغه رشیده باکره است .
- ۳- ولایت دارای شرایط و حدودی است و از جمله این شروط ، مصلحت است .
- ۴- ادله مورد استناد در ولایت ، کتاب و سنت می باشد .

- ۵- در ولایت جد ، حیات و موت پدر شرط نیست و ولایتشان در عرض یکدیگر است .
- ۶- در صورت تزاحم اختیار پدر و جد در زمان واحد ، قول جد مقدم است .
- ۷- اگر دختر بدون اذن ولی ازدواج نماید ، عقد باطل است .

هدف :

- ۱- روشن شدن اصل ثبوت یا نفی ولایت مورد به مورد اولیاء است .
- ۲- بررسی انواع ولایتهایی که در فقه در مورد ازدواج تعیین شده است .
- ۳- واکاری اقوال و ادله مربوط به این ولایتها که به آنها استناد شده است .
- ۴- بررسی حدود و شروطی برای این ولایتها در مورد ازدواج وجود دارد .
- ۵- رسیدن به نظریه « ولایت و اذن ولی در ازدواج » می باشد .

فصل اول :

کلیات

۱- فصل اول : واژگان شناسی ولایت

در این فصل معنای ولایت را از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بحث قرار داده و پس از روشن شدن معنای ولایت، موارد استعمال آن را در فقه اسلامی و مراتب آن را بیان نموده و سپس شروط اهلیت ولی و مولی علیه و سن بلوغ در شرع و قانون را بطور مختصر بحث خواهیم کرد .

۱-۱- معنای لغوی ولایت :

لفظ ولی یلی، ثلاثی مجرد^۱ به معنای کسی که قولش در دیگری نفوذ می کند ، کسی که امور را ولایت و سرپرستی می کند و حاکم و اولی به هر چیزی است.^۲ طریحی گفته است که «الولی» ، کسی است که کاری یا امری را ولایت می کند ، کسی که امور را تدبیر می کند و «ولی المرأة» ، کسی که ولایت عقد نکاح با اوست و «ولی الدم» ، کسی که طلب قصاص می کند و سلطان، ولی امر مردم است.^۳ ازهری می گوید «الولی» ، کسی است که سرپرستی یتیم را بر عهده داشته و امور را با کفایت ولایت می کند .^۴ ابن اثیر گفته است در اسماء الهی واژه «الولی» به معنای ناصر و کسی است که متولی امور جهان و خلایق آن است.^۵

«ولایت» به معنای امارت و سلطنت^۶ و نیز یاری و نصرت آمده است.^۷ مشکینی «ولایت» را قیام به امر شیء و تسلط بر آن معنا کرده است.^۸

^۱ - طریحی ، فخر الدین ، مجمع البحرين ، ۱۳۷۵ ، تهران ، المكتبة المرتضوية، چاپ سوم، ج ۱ ، ص ۴۵۵

جواهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ۱۴۰۷، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ج ۱۵، ص ۴۱۵

^۲ - جرجانی، علی بن محمد، التعريفات، ۱۳۰۶، المطبعة الخيرية المنشأة بة مصر، چاپ اول، ص ۱۱۲

^۳ - طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۴۵۶

^۴ - ازهری، احمد، تهذيب اللغة، ۱۳۸۴، مصر، دار القومية العربية للطباعة، ج ۱۵، ص ۴۴۹

^۵ - ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الاثر، ۱۳۹۰، بیروت، دار الفكر ، ج ۵، ص ۲۲۷

^۶ - فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت- لبنان، دارالجيل، بی تا، ج ۴، ص ۴۰۴

^۷ - ابن اثیر، النهاية، ج ۵، ص ۲۲۸

^۸ - مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، ۱۳۷۷، قم، نشر الهادی علیه السلام، ص ۵۷۲

لفظ «ولی» مشترک معنوی است و به معنای قرب، نصرت، محبت، سلطه، اقتدار، اولی به شیء و از این قبیل به کار رفته است.^۱

واژه ولایت، ولی و سایر مشتقاتش در لغت عرب همچنین در این معنا ریشه دارد که دو چیز در کنار هم قرار گیرند آن چنان که میانشان فاصله ای نباشد.^۲ و بدین جهت این ماده در قرب و نزدیکی، دوستی، یاری، امارت و سلطنت و تصدی امر استعمال شده است؛ زیرا که در کلیه این امور نوعی همراهی و اتصال برقرار است.^۳

واژه «ولی» و مشتقاتش در قرآن دویست سی و سه مورد به صیغه های اسم و فعل به کار رفته است.^۴

۱-۱-۱- ولایت به فتحه و یا کسره واو است؟

دراینکه ولایت به فتحه یا کسره واو است، اختلاف است که معانی آن متفاوت است و اکثر لغویین و مفسرین ولایت به فتحه و کسره واو را به معنی نصرت و یاری دانسته اند.^۵

راغب، «الولایة» - به کسرواوا - را به معنای نصرت و «الولایة» - به فتح واو - را به معنای تولی و ولایت کردن امر دانسته است.^۶

و صاحب بلغة الفقیه در تعریف لغوی ولایت می گوید: «ولایت در لغت هر گاه به فتحه تلفظ شود مصدر است و به معنی ربوبیت و نصرت و هر گاه به کسره واو تلفظ شود به معنای امارت و سلطنت است.»^۷

۱-۲- معنای اصطلاحی ولایت:

^۱ - جرجانی، التعریفات، ص ۱۱۲

^۲ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ۱۴۲۰، بیروت، دار المعرفة، ص ۵۳۳

^۳ - طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۳

^۴ - دامغانی، حسین، الوجوه و النظائر فی القرآن، تبریز، مطبعة شفق، بی تا، ص ۸۴۷

^۵ - شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۶، نجف، المطبعة العلمية، ج ۳، ص ۱۸۶

زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، بیروت - لبنان، دار المعرفة، ج ۲، ص ۴۸۶

^۶ - راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۵۳۳

^۷ - آل بحر العلوم، سید محمد، بلغة الفقیة، ۱۳۶۲، تهران، مکتبة الصادق علیه السلام، ج ۳، ص ۲۱۰

سلطه ای است که شخص بر جان و مال دیگری پیدا می کند و فرقی نمی کند که این سلطه عقلی باشد یا شرعی ، بر جان باشد یا بر مال یا هر دو ، و یا به واسطه اصل باشد یا عارضی.^۱

حصری از اهل سنت در تعریف ولایت گفته است: «قدرتی شرعی است که صاحبش به واسطه آن مالک تصرف در شوون دیگری به طور جبری می باشد.»^۲

امامی گفته است: «ولایت عبارت از سلطه و اقتداری است که قانون به جهتی از جهات به کسی می دهد که امور مربوط به غیر را انجام دهد.»^۳ و لفظ ولایت ملازم و همراه با قرب و نزدیکی ، حب و دوستی ، مصاحبه و تدبیر است ، بنابراین باید تصرفات ولی ناشی از تدبیر و خیر و مصلحت اندیشی باشد و این قول ابن اثیر است .^۴

در **معجم الفاظ قرآن کریم** ، ولی یعنی کسی که برای انسان آنچه را از خیر و منفعتش طلب و در خواست کرده ، فراهم می نماید^۵ ، بنابراین معنای ولی ، اولی به هر چیزی ، کسی که قولش در دیگری نافذ است ، متصرف در هر امری و ولایت کردن آن ، کسی که جایز است برایش که عقلا یا شرعا ، به اصل یا عارضی در جان یا مال یا هر دو ، دیگری تصرف کرده و تصرفاتش از سر تدبیر و مصلحت و خیر اندیشی است .

ولاء ، ولات ، ولایت به کسر و ضم و فتح واو که در لغت به معانی فوق الذکر آمده است در فقه اسلامی موارد استعمال فراوانی دارد از جمله :

۱- ولاء امامت: هر گاه کسی فوت کند و در هیچ مرتبه ای از مراتب ، وارث نداشته باشد مال او در صورت حضور معصوم به امام علیه السلام و در زمان غیبت امام به حاکم شرع (ولی فقیه) داده می شود.

۲- ولاء عتق: کسی که بنده ای را آزاد کرده در صورتی که وارث دیگری نداشته باشد ترکه او به آزاد کننده می رسد.

^۱ - همان منبع، ص ۲۱۰

^۲ - حصری، احمد، الولاية والوصاية والطلاق في الفقه الاسلامی، ۱۴۱۲، بیروت، دار الجبل، ص ۱

^۳ - امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۱۳۷۶، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ج ۵، ص ۲۰۲

^۴ - ابن اثیر، النهایة، ج ۵، ص ۲۲۷

^۵ - مجمع اللغة العربية، معجم الفاظ قرآن کریم، ۱۳۶۳، طهران، مطبعة آرمان، چاپ اول، ج ۲، ص ۸۵۳

۳- ولاء ضمان جریره : هر گاه کسی که رابطه وراثت ندارد ضمن عقدی با او موافقت کند که ضامن جرائم او باشد و پس از مرگ مضمون له از ترکه او ارث ببرد ضامن جریره نامیده می شود.

۴- ولات به ضم واو : جمع والی است و در معنی خاص به فرمانداران اطلاق می شود و به همین معنا در ماده نهصد و هشتاد و سه قانون مدنی به کار رفته است .

ماده نهصد و هشتاد و سه : «درخواست تابعیت باید مستقیماً یا توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شوند.»^۱

۵- ولایت به فتحه و کسره واو : به دو معنی به کار رفته است : ۱- حوزه های تحت تصدی و تسلط یک والی . ۲- سمت رسمی و شغل دولتی که در قانون مدنی به معنی نمایندگی قهری یا قانونی پاره ای از اشخاص نسبت به کسانی که به علت ضعف دماغ و اعسار امور مدنی آنها ، کلاً یا بعضاً به دست آن نمایندگان اداره می شود که در مواد مختلف قانون مدنی و تجارت آمده است:

۱- ماده یک هزار و دویست و هیجده قانون مدنی: « برای اشخاص ذیل نصب قیم می شود:

۲- برای صغاری که ولی خاص ندارند.

۳- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۴- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد.»^۲

۲- ماده چهارصد و هیجده قانون تجارت: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است . و در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند.»^۳

^۱ - ق.م. / ماده ۹۸۳

^۲ ق.م. / ماده ۱۲۱۸

^۳ - ق.ت/ ماده ۴۱۸